تحلیل فقهی– حقوقی امداد و نجات

عبدالله امیدی فرد[1]، سیدمهدی جوکار[2]، مجیدرضا عرب احمدی[3]

۱. استادیارگروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. نویسندهٔ مسئول: دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

Email:Mjokar1361@gmail.com

۳. عضو هیأت علمی گروه حقوق، واحد فراهان، دانشگاه آزاد اسلامی، فراهان، ایران.

دریافت: ۹۲/۱۱/۱۰ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۲

چکیده

مقدمه: خدمت و کمک به همنوعان در طول تاریخ، به شکل‌های مختلف ظهور و بروز داشته است، یکی از مصادیق مهم خدمت به بشر در عصر حاضر تحت عنوان امداد و نجات مصدومان نام برده می‌شود. در هر زمانی، ممکن است ملت‌ها گرفتار مصائب و آلامی مانند بلایای طبیعی، طوفان‌های سهمگین، سوانح رانندگی و... شوند و قطعاً به هنگام بروز چنین مواردی، انسان‌ها به یاری دیگر مردمان نیاز دارند و با عنایت به اینکه بنی‌آدم اعضای یک پیکرند می‌طلبد که برای نجات حادثه‌دیدگان شتاب کرد. البته این امداد و نجات مصدومان، هم به حکم دین است که اسلام، همواره به مقولهٔ خدمت به بشریت و زدودن غم و گرفتاری از چهرهٔ انسان‌ها پیش قدم بوده است و با وضع احکامی در قالب واجبات، محرمات و مستحبات، پیروان خود را در این راه سفارش و هم فطرت پاک بر پایهٔ عقل انسان را بر این کار ترغیب می‌کنند.

امداد و نجات مصدومان، گاه شرایطی را ایجاد می‌کند که هم برای مصدوم مشکل آفرین است و هم امدادرسان را بر دو راهی وجوب و حرمت یا میان دو حکم متضاد و متزاحم قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: امداد و نجات، خدمت، تعاون، تزاحم، ضمان.

مقدمه

امداد و نجات انسان‌هایی که در حوادث و بلایای طبیعی از قبیل سیل، زلزله و... و سوانح غیرطبیعی مانند تصادفات جاده‌ای مصدوم می‌شوند، نه فقط به لحاظ فقه اسلامی واجب شرعی است، بلکه از امور مهم عقلایی، اخلاقی و مورد تأکید جوامع امروزی نیز محسوب می‌شود. یاری و کمک به مصدومان [در معنی عام، هر کسی که دچار مشکلی شده] از مصادیق تعاون و خدمت‌رسانی، اخلاق حسنه و بشردوستی است و به علاوه از سفارشات و آموزه‌های اسلام این حقیقت هویداست که کمک به خلق و سودرسانی به آنان، از عوامل ارزشمندی انسان به شمار آمده است. چنانکه پیامبراکرم (ص) در پاسخ به این سؤال که محبوب‌ترین افراد پیش خداوند چه کسانی هستند؟ فرمود: «انفع الناس للناس»، بهترین مردم سودمندترین آنهاست (۱).

آنچه از محتوای فرمایش معصومین علیهم‌السلام برداشت می‌شود این نکته است که یاری‌رسانی به همنوعان نه فقط به خودی خود دارای فضیلت است، بلکه اسلام در این خصوص محدودیتی به لحاظ تفکیک افراد از نظر نژاد، دین، جنسیت، ملّیت و... قائل نشده است. عاملی که موجب شد این مقاله به نگارش درآید و جوانب فقهی- حقوقی امداد و نجات بررسی شود، وجود برخی مؤلفه‌ها و مواردی است که گاه در امر کمک‌رسانی به مصدومان از سوی امدادگران واقع می‌شود که در تعارض و یا تزاحم با برخی ملاک‌ها و مفاهیم فقهی-حقوقی است. لذا در این نوشتار، تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از منابع و متون فقهی و حقوقی، چالش‌های پیش‌رو در این امر مهم (امداد و نجات) بررسی و ضمن پاسخگویی به سؤالات اصلی تحقیق، نتایج به سمع و نظر علاقه‌مندان رسانده شود.

مفاهیم

امداد و نجات

کلمهٔ امداد به لحاظ لغوی از ریشهٔ «مدد» است که به نوعی به کمک‌رسانی به نحو متصل و پی در پی اطلاق می‌شود و در کارهای نیک به کار می‌رود (۲) و نیز به معنای یاری کردن است (۳) و هنگامی که با واژهٔ نجات همراه می‌شود و به صورت ترکیبی استعمال می‌گردد، در مأموریت‌های صلیب‌سرخ جهانی و جمعیت هلال‌احمر به کار می‌رود و روی هم رفته عبارت است از: هرگونه کمک، یاری‌رسانی و نجات جان انسان‌ها در مشکلات و معضلاتی چون بلایای طبیعی، سوانح جاده‌ای، قحطی، آوارگی و... که توسط دیگر انسان‌ها در قالب سازمانی و غیرسازمانی صورت می‌گیرد و در پرتو این اقدامات عاطفی و نوع‌دوستی به تسکین آلام بشری کمک می‌شود.

خدمت

اصل کلمهٔ «خدمت» در لغت به معنای انجام کار نیک در حق کسی و انجام عمل دلسوزانه است (۳)، برخی نیز آن را پیشکش و تحفه برای دیگران می‌دانند (۴). در اصطلاح، خدمت عبارت است از مفهوم وسیع و گسترده‌ای که تمام فعالیت‌های مثبت و مفید انسان‌ها را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و معنوی شامل می‌شود و در فرهنگ اسلامی نیز هر کاری که برای مردم و جامعه

مفید و همچنین برخوردار از روح معنویت و وسیله تقرّب به خدا باشد، خدمت نامیده می‌شود.

تعاون

این واژه از ریشهٔ «عون» و با کلماتی چون «معاونت» و «اعانت» از یک خانواده است و همگی به معنای پشتیبانی و یاری کردن هستند. تعاون از باب تفاعل، همکاری دو یا چند نفر با یکدیگر را گویند (۵). معاونت از باب مفاعله به معنای «یار»، «یاور» و «کمک کننده» است (۶) و اعانت به معنای مساعدت است. مثلاً می‌گویند «اعانه علی ذلک» یعنی او را یاری داد (۵) برخی نیز مشارکت و همیاری هریک از اعضا با یکدیگر برای حفظ جامعه و منافع آن را تعاون می‌دانند (۷).

اهمیت امداد، یاری‌رسانی و خدمت از منظر ادیان

انسان موجودی است که همواره در تلاش است تا به صورت اجتماعی زندگی کند، زیرا در آفرینش بشر جنبه‌های ظریف و لطیفی است که به عنوان نمونه باید گفت آدمیان همانند جمادات و موجودات بی‌جان نیستند که از سرنوشت یکدیگر بی‌خبر و بی‌تفاوت باشند، بلکه مانند حلقه‌های یک زنجیره‌اند که حیات و قوامشان در گرو پیوستگی و وابستگی است.

به همین دلیل، اندیشمندان و مبلّغان همیشه به این نکته توجه داشته‌اند و به صورت‌های مختلف، اعم از بیان، قلم و... انسان‌ها را به همدلی و محبت به یکدیگر دعوت می‌کردند و اساساً این مسئله را برای بشریت، به عنوان یک فرهنگ نهادینه کردند.

الف: آئین یهود: در آموزه‌های تلمود، اخلاق اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، محبت به همنوع است (۸). در عقاید یهودیان، طبق برخی آیات و تفاسیر ارائه شده از ایشان، کسی که ناظر وقوع خطری نسبت به انسان دیگری است، تکلیفی مذهبی و اخلاقی دارد (۷). حتی از عالمی یهودی نقل شده است که «هر کس قادر باشد [جان] شخص دیگری را که در معرض خطر است نجات دهد ولی چنین نکند، این فرمان را که نباید نسبت به خون همسایه‌ات بی‌اعتنا باشی را زیر پا گذاشته است(۹) و در کتاب مقدس عهد عتیق آنها آمده است «همسایه خود را چون خود دوست بدار»(۱۰).

ب: آئین مسیحیت: در این مذهب آمده که حضرت مسیح (ع) می‌فرماید: «خداوند مرا مسیح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته‌دلان را التیام و جمیع مصیبت‌زده‌ها را تسلّی بخشم. واکنش مسیحیان به نیازمندان و رسیدگی به حال محرومان، دقیقاً برگرفته از تعالیم مسیح است. پولس و دیگر نویسندگان عهد جدید، نشان می‌دهند که چگونه مراقبت از نیازمندان به بخشی پذیرفته شده از مسیحیت تبدیل شده است. پولس می‌نویسد «لکن از نیکوکاری خسته نشویم، زیرا که در موسم آن درد خواهیم کرد، اگر ملول نشویم، خلاصه به قدری که فرصت داریم با جمع مردم احسان بنماییم». (۱۱).

ج: آئین اسلام: قرآن مسلمانان را در انجام عمل خیر و صالح و اقدام به امور نیکو با آیاتی چون «إنَ الله یامُرُ بالعدلِ وَالاحسان» (نحل ۹۰) و «إعمَلوا صالِحاً » (سبأ۱۱) و «إفعَلوا خَیراً» (حج ۷۷) و... سفارش نموده است. خدمت به همه مردم و نوع بشر عملی شایسته است و غرض اولیای گرامی

اسلام در خدمتگزاری، فقط مؤمن یا مسلمان نیست، بلکه نوع بشر را شامل می‌شود (۱۲). با توجه به اهمیت اسلام به رسیدگی به امور مستمندان و اقشار ناتوان، همیشه اولیای الهی، به این گروه از مردم توجه ویژه‌ای داشتند و سفارش اکید می‌کردند. در همین خصوص از پیامبر (ص) نقل است که می‌فرمایند: «رأس العقل بعد الدین التودد الی الناس و اصطناع المعروف الی کل بر و فاجر» (۱۳). یعنی پس از دین (و ایمان به خداوند)، بشر دوستی و نیکی به مردم، اعم از درستکار و گناهکار، سرآمد تمام کارهای عاقلانه است. حضرت علی (ع) نیز فرموده‌اند: «ابذل معروفک للناس کافه فان فضیله فعل المعروف لا یعدلها عندالله سبحانه شیء» (۱۴). کارهای نیک خود را برای همه مردم به کار ببر و به راستی که هیچ چیز نزد خدای سبحان، با فضیلت کارهای نیک، برابری نمی‌کند.

بیان تفاوت‌ها در ادیان: آنچه از بیان احکام و عقاید این سه دین توحیدی برداشت می‌شود این است که تعالیم یهود و مسیحیت در باب یاری‌رسانی به همنوعان و امداد و نجات مصدومان، بسیار مختصر و غالباً مبتنی بر دعوت به انجام افعال حسنه و بیشتر به نحو جملات زیبا و شعاری است و خیلی از جنبه‌های تکاملی و قانونی برخوردار نیست. در آئین یهود برای کسی که کمک به نجات دیگری را ترک کند ضمانی در نظر گرفته نشده است (۷). البته در طول تاریخ تحریفات زیادی در عقاید این ادیان وارد شده است، لکن احکام اسلام به لحاظ کمّی و کیفی از گستردگی و پختگی اعلایی برخوردارست و میزان تحریف نیز در مقابل سیل عظیمی از روایات وارده، اثرگذار نبوده و اساساً به لحاظ اینکه اسلام آخرین مذهب و آئین الهی است، می‌طلبد که احکامش کامل‌تر و دقیق‌تر باشد و در زمینه خدمت‌رسانی به مصدومان و نیازمندان حادثه دیده، اسلام امداد و نجات را یک تکلیف واجب می‌داند و تخطی از آن را به لحاظ شرعی گناه و مستوجب ضمان می‌داند.

ادلهٔ وجوب امداد و نجات

در طلیعه این بحث باید نکته‌ای را گوشزد کرد مبنی بر اینکه مفهوم امداد از نظر فقهی مفهومی است مطلق و به جهت اطلاقش، هرگونه کمک، یاری، خدمت و نوعدوستی را شامل می‌شود و نجات جان نفوس هم که در آموزه‌های اسلام از جایگاه مهمی برخوردارست بی‌شک از ضروریات و با استناد به این ادله واجب شرعی محسوب می‌شود:

۱- قرآن

الف: آیه اول: «مِنْ أجْلِ ذَلِک کَتَبْنَا عَلی بَنی إسرءِیلَ أنّهُ مَن قَتَلَ نَفْسا بِغَیرِ نَفْسٍ أوْ فَسادٍ فی‌الأرْضِ فَکَأنّمَا قَتَلَ النّاس جَمِیعاً وَ مَنْ أحْیَاهَا فَکَأنّمَا أحْیَا النّاس جَمِیعاً وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَیّنَتِ ثُمّ إنّ کَثِیراً مِّنْهُم بَعْدَ ذَلِک فی الأرْضِ لَمُسرِفُونَ» (مائده، ۳۲).

در فرازی از این آیه آمده است: (و من احیاها فکانّما احیا الناس جمیعاً) هرکس یک تن را زنده کند مانند آن است که همهٔ مردم را زنده کرده است. از امام محمد باقر (ع) سؤال شد که منظور از «ومن احیاها فکانّما احیا الناس جمیعاً» چیست؟ فرمود: من حرق او غرق...(۱) نجات دادن از حوادثی مانند آتش‌سوزی، غرق شدن.. حاکی از اهمیت نجات آدمی است.

تفسیر: پروردگار عالم در این آیه یک حقیقت اجتماعی و تربیتی را بازگو می‌کند زیرا:

نخست- کسی که دست به خون انسان بی‌گناهی می‌آلاید در حقیقت چنین آمادگی را دارد که انسان‌های بی‌گناه دیگری را که با آن مقتول از نظر انسانی و بی‌گناهی برابرند مورد حمله قرار دهد و به قتل برساند. او در حقیقت یک قاتل است و طعمهٔ او انسان بی‌گناه است. می‌دانیم میان انسان‌های بی‌گناه از این نظر تفاوتی نیست. همچنین کسی که به دلیل نوع‌دوستی و عاطفهٔ انسانی، دیگری را از مرگ نجات بخشد این آمادگی را دارد که این برنامهٔ انسانی را در مورد هر بشر دیگری انجام دهد. او علاقه‌مند به نجات انسان‌های بی‌گناه است و از این نظر برای او این انسان و آن انسان تفاوت نمی‌کند و با توجه به اینکه قرآن می‌گوید: «فکانما... » مفهوم اینست که مرگ و حیات یک نفر اگر چه مساوی با مرگ و حیات اجتماع نیست، اما به آن شبیه است.

دوم- در حقیقت افراد جامعهٔ انسانی همانند اعضای یک پیکرند، هر لطمه‌ای به عضوی از اعضای این پیکر برسد اثر آن کم و بیش در سایر اعضا آشکار می‌گردد، زیرا یک جامعه بزرگ از افراد تشکیل شده و فقدان یک فرد خواه ناخواه ضربه‌ای به همه جامعهٔ بزرگ انسانی است. فقدان او سبب می‌شود که به تناسب شعاع تأثیر وجودش در اجتماع محلی خالی بماند و زیانی از این رهگذر دامن همه را بگیرد. همچنین احیای یک نفس، سبب احیای سایر اعضای این پیکر است، زیرا هر کس به اندازه وجود خود در ساختمان مجتمع بزرگ انسانی و رفع نیازمندی‌های آن اثر دارد بعضی بیشتر و بعضی کمتر. و اگردر بعضی از روایات می‌خوانیم که مجازات چنین انسانی در قیامت، مجازات کسی است که همه انسان‌ها را کشته است، مصداق همین است نه اینکه از هر جهت مساوی یکدیگر باشند و لذا در ذیل همین روایات می‌خوانیم اگر تعداد بیشتری را بکشد مجازات او همان نسبت مضاعف شود. از این آیه اهمیت مرگ و حیات یک انسان از نظر قرآن کاملاً آشکار می‌شود، و با توجه به اینکه این آیات در محیطی نازل گردید که خون بشر مطلقاً در آن ارزشی نداشت عظمت آن آشکارتر می‌گردد (۱۵)

ب: آیه دوم: «تَعاوَنوا عَلَی البِرِ وَ التَقوی وَ لاتَعاوَنوا عَلَی الاِثمِ وَ العُدوان» (مائده ۲)

در نیکی و پارسایی (کردار و افعال حسنه) همکاری کنید نه در گناه و ظلم.

این آیه از مستندات قاعدهٔ مهم فقهی با عنوان «حرمت اعانه بر اثم و عدوان است» که مطابق این آیه مسلمین موظفند یکدیگر را در کارهای پسندیده یاری رسانند یعنی تکلیفی مثبت بر عهده هر یک از مسلمانان نهاده شده است (۷) و بدون شک از جمله کارهایی است که در زمرهٔ امور مهم و پسندیده به شمار می‌آید. کمک به نجات دیگران و یاری رساندن در خطرات است که با استناد به این آیه به خوبی فهمیده می‌شود.

۲- سنت

الف: روایت اول: پیامبر (ص) می‌فرمایند: «خصلتان لیس فوقهما من البر شی ء:الایمان بالله والنفع لعباد الله» (۱.) یعنی ایمان به خدا و نفع رساندن به بندگان او دو خصلت نیک است که برتر از آن چیزی نیست. این روایت به خوبی نشان

می‌دهد که پیامبراکرم (ص) سودمندی و خدمت به مردم را در کنار ایمان به خداوند، معیار و ملاک ارزشمندی انسان دانسته و همواره ایشان و سایر اولیای الهی پیشتاز این قبیل خدمات بودند و از مبانی و اصول دین اسلام اهتمام به امور دیگران است، چنانکه در حدیثی مشهور آمده: «من اصبح ولم یهتم بامورالمسلمین فلیس بمسلم» (همان و ۱۶).

از این بیان چنین مستفاد است که، مسلمانی غیر از خدمت به برادران مسلمان و اهتمام در رفع مشکلات آنان نیست و اگر محبت درونی بر پایه عشق و فطرت پاک مردم، که نمودار عینی و حقیقت آدمی به شمار می‌رود، بر روح و جسم انسان حاکم گردد و با ایمان و اعتقاد به خداوند درآمیزد، انسانی خدمتگزار و پرتلاش می‌سازد که هیچ گاه از خدمت به دیگران غفلت نمی‌ورزد.

ب: روایت دوم: قال امیرالمومنین(ع): «من ردّ عن المسلمین عادیهٔ ماءٍاو عادیهٔ نار، او عادیهٔ عدوّ مکابر للمسلمین، غفرالله له ذنبه». (۱) هر کس طغیان آب (سیل)، فراگیری آتش یا سلطهٔ دشمن زورگو را از مسلمانان دفع کند خداوند گناهانش را می‌بخشد.

اگر چه در این خبر، سیل و حریق به عنوان مثال ذکر شده‌اند، ولی مقصود نجات دادن مسلمان از هر حادثهٔ ناگوار است.

ج: روایت سوم: عن ابی عبدالله(ع) قال: ما من مومن یخذل اخاه و هو یقدر علی نصرته الاخذله الله فی الدّنیا و الاخرهٔ (همان، ص۱۷) امام صادق(ع) فرمود: هر مومنی برادر مومنش را در چنگال حادثه خوار بگذارد، در حالی که می‌توانست او را مدد رساند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار می‌کند.

۳ – عقل: یکی از ادلهٔ مشهور استنباط احکام و قوانین، حکم عقل است. سیرهٔ مستمرهٔ عقلا در عالم این بوده که همواره به هنگام بروز حوادث، برای نجات مبتلایان در خطر، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرده‌اند.

امداد و نجات در قانون

در خصوص وجوب امدادرسانی توسط اقشار عادی و غیرسازمانی، قانون مدنی و مجازات اسلامی ساکت است. البته طبق نظر برخی فقها، جایی که ترک فعل علت منحصره در ایجاد خسارت باشد و شخص با این که قدرت بر انجام فعل دارد، اقدام نکند و خسارتی واقع گردد، مسئولیت مدنی مشمول چنین فردی از باب اتلاف می‌شود (۱۷) لکن برای افراد سازمانی که مأموریت کمک‌رسانی در شرایط بحرانی را دارند سخن بسیار است و شاید بتوان تبصره یک ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی را که مقرر داشته: «هرگاه پس از وقوع خسارت، وارد کننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد از تخفیف دادگاه برخوردار می‌شود» (۱۸) به الزام قانون در باب کمک و نجات آسیب‌دیدگان تفسیر نمود. اما طبق نص صریح قانون، کسانی که به موجب قانون وظیفه دارند به اشخاص آسیب دیده کمک کنند و از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند به مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهند شد.

امداد و نجات واجب کفایی است

بنا به یک تقسیم‌بندی، واجب انواعی دارد که دو نوع آن عبارت است از عینی و کفایی.

الف: واجب عینی: گاهی چیزی یا کاری را شرع یا قانون گذار از همه می‌خواهد و همه مکلف به انجام آن می‌شوند و با انجام آن به وسیله یک یا چند نفر، از عهده دیگران ساقط نمی‌شود، مانند نماز که با خواندن گروهی، از دیگران ساقط نمی‌شود و همچنان بر آدمی واجب است. (۱۹)

ب: واجب کفایی: گاهی چیزی یا کاری را شرع یا قانون گذار از همه می‌خواهد و همه مکلف به انجام آن می‌شوند، ولی با انجام آن به وسیله یک یا چند نفر، از عهده دیگران ساقط می‌شود، مانند کفن و دفن مسلمان. (همان)

حال با این توضیح، مقوله امداد و نجات، از نوع واجب کفایی است، یعنی در مرحله اول، بر تمامی مسلمین واجب است، لکن اگر عده‌ای به تحصیل مهارت‌های لازم آن مبادرت نمودند و بر این کار اهتمام کردند، این وجوب از گردن سایرین برداشته می‌شود.

امداد و نجات و تزاحم احکام

در فقه و حقوق، مبحثی وجود دارد که از آن به باب تزاحم تعبیر می‌شود و معمولاً در حال انجام امداد و نجات، کراراً این بحث نمایان می‌شود و لذا برای تنقیح موضوع، ابتدا به توضیح تزاحم و سپس به ارتباط آن با مقولهٔ امداد می‌پردازیم.

تزاحم از ماده «زحمت» و در لغت به معنای هم دیگر را تحت فشار و در تنگنا قرار نهادن است (۲۰) و در اصطلاح، به حالتی گفته می‌شود که دو حکم یا دو موضوع دارای یک حکم، در راه همدیگر زحمت ایجاد کنند (۲۱) و به تعبیر دیگر، مکلف نمی‌تواند هر دو حکم را اجرا نماید (۱۹). در حالی که هر دو دستور و حکم، درست است.

به عنوان مثال، هر گاه دو نفر غرق شده باشند و مکلّف قدرت نجات هر دو را نداشته باشد، بلکه فقط نجات یک نفر برایش مقدور باشد، در آن صورت، واجب است که یک نفر را نجات دهد (۲۲ و ۲۳) از دیدگاه بیشتر عالمان اصولی، تزاحم؛ یعنی ناسازگاری و تمانع دو حکم که ناشی از قدرت نداشتن مکلّف بر انجام آن دو باشد. به دیگر سخن؛ تزاحم در جایی است که مکلّف در مقام امتثال (انجام تکلیف) نمی‌تواند بین دو حکم شرعی جمع نماید.(۲۴ و ۲۵) پس تزاحم، یعنی گاهی مواقع برای انسان حالتی پیش می‌آید که در مواجهه با دو عمل قرار می‌گیرد که نمی‌تواند در یک زمان به هر دو مورد رسیدگی نماید و ناچار است که فقط به یک عمل دست زند.

و اما تزاحم در بحث ما شامل موارد زیر است:

۱: وقوع دو کار هم زمان در امداد و نجات که هر دو واجب هستند: این فراز از تزاحم در کلام علمای اصول به تنافی بین دو حکم در مقام امتثال تعبیر می‌شود (۲۶) که حکم فقهی در این قسمت این است که باید مکلّف (امدادگر) به شکل زیر عمل نماید.

الف: گاه، هیچ یک از دو عمل واجب بر دیگری برتری و ترجیح ندارد و انسان مخیّر است و انجام هر کدام بیانگر اطاعت است. (مانند نماز جمعه و نماز ظهر)

مثال: چنانچه دو نفر انسان معمولی در حال غرق شدن باشند و یا زیر آوار باشند و نجات هر دو در یک زمان ممکن نباشد، نجات هر یک از این دو مساوی است. در این شق از مطلب به این جهت که هر دو نفر در مراتب عادی دنیوی و اخروی هستند، لذا نجات هر یک درواقع بیانگر اطاعت است.

ب: گاه یک عمل واجب در زمان اجرا بر عمل دیگر ترجیح و برتری دارد، که در این صورت حکم این است که باید طبق قاعدهٔ تقدیم (الأهمّ والمهمّ) اهم و مهم نمود و عمل دارای اولویت را ابتدا انجام داد و در صورت ایجاد فرصت به کار دوم پرداخت (مانند از بین بردن نجاست از مسجد و اقامه نماز).

مثال: چنانچه دو نفر در حال غرق شدن باشند و یا در تصادفی گیرافتاده‌اند که یکی عالم فرهیخته و دیگری فرد معمولی باشد، و یا یکی مسلمان و دیگری کافر (به طور کلی غیر مسلمان) و یا یکی شهروند مطلوب و دیگری فردی جانی باشد، و.... در تمام این موارد طبق قاعدهٔ «تقدیم اهم بر مهم» وظیفه این است که ابتدا نجات عالم، مسلمان، شهروند مطلوب و در صورت وجود وقت، به نجات دیگران مبادرت می‌شود.

قاعدهٔ تقدیم اهم بر مهم

دانش فقه نشان می‌دهد که تنها رافع مطمئن در حل مشکل تزاحم احکام «قانون اهم و مهم» است. قانون اهم و مهم که از جمله اصول مبتنی بر مصالح احکام است، بیان می دارد که اگر در نزد شارع ملاک یکی از دو حکم از ملاک حکم دیگر قوی‌تر باشد، همان حکم بر حکم دیگر مقدم می‌شود. البته برای توضیح بیشتر این قاعده، می‌توان به قاعدهٔ عقلی دفع افسد به فاسد اشاره کرد. همان‌گونه که اگر آدمی میان دو عمل قرار گیرد که یکی فاسد و دیگری فاسدتر، عقل حکم به انجام فاسد می‌کند تا در حقیقت از بروز عمل بدتر «افسد» جلوگیری شده باشد. در اینجا نیز اهم بر مهم مقدم می‌شود.

مستندات قاعدهٔ تقدیم اهم بر مهم

الف: آیه ۷۹ سوره کهف است که در واقع به جریان حضرت خضر (ع) اشاره دارد که ایشان برای جلوگیری از تسلط حاکمی ستمگر، در کشتی فقرا سوراخی ایجاد کرد، تا در واقع کشتی معیوب شده و آن ستمگر نسبت به آن بی‌میل شود.

ب: در تاریخ داریم که امام صادق (ع) زمانی، برای جلوگیری از توطئه قتل یکی از اصحاب مهم‌شان به نام زراره، به همین قضیه جناب خضر اشاره می‌فرمایند.

پ: عقل که یکی از منابع مهم استنباط احکام فقهی است، حکم می‌کند که انسان در مواقع بحرانی و تزاحم این چنینی، کار افضل و اولی را بر کار کم اهمیت‌تر ترجیح دهد.

۲: وقوع دو کار هم زمان، که یکی واجب و دیگری حرام باشد.

گاهی اتفاق می‌افتد که انسان در وضعیتی قرار می‌گیرد که هم وظیفه دارد واجبی را انجام دهد و هم حرامی را مرتکب شود که به چند مورد اشاره می‌شود:

الف: تزاحم میان تصرف در اموال دیگران و امدادرسانی

مثال: اگر نجات جان غریقی وابسته به این باشد که انسان از ملک شخصی دیگران بدون اجازه عبور

کند، دو حکم وجوب نجات غریق و حرمت تصرف در ملک دیگران با یکدیگر تزاحم دارند؛ در این صورت اگر بخواهیم واجب را انجام دهیم، مرتکب حرام می‌شویم و اگر بخواهیم دچار ورود غیرمجاز نشویم، انسانی جان خود را از دست می‌دهد. ازاین‌رو وظیفه داریم میان دو حکم مقایسه کنیم و آن را که اهمیت بیشتری دارد انجام دهیم و چون حفظ جان غریق مهم‌تر از تصرف غاصبانه در اموال دیگران است، حرمت غصب ملک از بین می‌رود و نجات غریق واجب می‌شود.

ب: تزاحم میان لمس نامحرم و امدادرسانی

مثال: چنانچه در یک سانحهٔ رانندگی، امداد جان یک زن نامحرم و خارج کردن او از خودرو، منوط به لمس بدن او شود و راه دیگری هم نباشد و یا فرصت کافی برای دوری از ارتکاب این حرام الهی نباشد، از باب وجوب نجات جان مسلمان، دست زدن به بدن نامحرم، حرمتش را از دست می‌دهد و نجات او مقدم می‌شود.

۳: تزاحم میان قواعد فقهی لاضرر و عسر و حرج در امداد و نجات

قاعدهٔ «لاضرر» قاعده‌ای است که از روایت مشهور نبوی «لاضَرَرَ وَلا ضِرارَ فِی‌الْاسْلامِ» و برخی آیات قرآن استفاده می‌شود. بر اساس این قاعده، هیچ فردی نباید به دیگران ضرر مادی یا معنوی برساند و در اسلام، حکم ضرری وضع نشده است (۱۶ و ۲۷) و عسر و حرج نیز از قواعد مشهور فقهی مستنبط از آیه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج ۷۸) و روایات متعدد (۱ و ۲۸) می‌باشد که هر گونه ضیق و در تنگنا قرار گرفتن را از نظر دین ممنوع می‌داند.

حال چنانچه امدادگری برای نجات انسانی که به واسطهٔ زلزله، سیل، تصادف و... دچار سختی شده و حقیقتاً در تنگنا و ضیق افتاده، ناچار شود به خود مصدوم یا خانه اش و یا اتومبیلش ضرری وارد کند، آیا مجاز است؟ یا طبق قاعدهٔ لاضرر که از ضرر زدن به دیگران نهی وارد شده، نمی‌تواند؟

در پاسخ باید گفت اگر چه میان « لاضرر » که از نظر دین مبین اسلام، هرگونه وارد کردن ضرر به دیگران مورد نکوهش و نهی قرار گرفته، و مفاد قاعدهٔ «نفی عسر و حرج» که هرگونه حرج و سختی از آدمی را نفی می‌کند، تعارض و تزاحمی مشاهده می‌شود، اما با عنایت به دلایل معتبر نقلی، به ویژه آیهٔ ۳۲ مائده که پیشتر آمد، روایات معصومین علیهم السلام و نیز عقل سلیم که نجات جان آدمی را مهم می‌داند، در وجهٔ اخیر قاعدهٔ نفی عسر و حرج بر لاضرر مقدم بوده و در صورتی که امدادرسانی و نجات فقط در صورت اضرار به غیر میسر است، به ناچار باید مرتکب ضرر شد، البته این ایجاد ضرر باید اصولی و منطقی باشد و از هرگونه افراط‌گری حذر شود.

۴: تزاحم میان نجات مصدوم و احتمال خطر برای امدادگر

با توجه به اینکه امدادگران، اولین کسانی هستند که برای نجات جان مصدومان در محل حاضر می‌شوند، گاه پیش می‌آید که به واسطه مواردی چون زلزله، سیل و... امدادگران در بررسی نقطهٔ حادثه‌دیده، احتمال می‌دهند که خود آنها نیز در صورت اقدام به کمک به مصدومان، دچار حادثه شوند و یا در معرض مرگ قرار گیرند. حقیقتاً باید گفت که این

مسئله از موارد دشوار تزاحم ملاک‌ها است، از سویی امدادرسان در حال مشاهده جان باختن انسانی است و از طرفی دیگر به خطر انداختن جان خودش نیز شرعاً جایز نیست. در استفتائی که از محضر مقام معظم رهبری شده ایشان به نحو ذیل مرقوم فرموده‌اند: اگر خلاف مقررات یا دستور مسئولین مربوطه نباشد بر فرض اطمینان به توانایی بر نجات مصدوم، اقدام واجب است.

ضمان امدادگران

ضامن بودن امدادگری که اقدام به نجات مصدومان می‌نماید از مسائل مهم و مبتلا به محسوب می‌شود. ضمان قهری در اسلام یعنی اگر شخصی، از روی عمد و آگاهی مرتکب کاری شود که مال یا جان دیگری آسیب ببیند و در اصطلاح فقهی، موجب اتلاف غیر شود، مرتکب (مباشراً یا مسبباً) متلف و ضامن است، یعنی درواقع، حکم اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی، حرام و از جهت وضعی ضمان است (۲۹) و از منظر قانون مسئولیت مدنی نیز هرکسی بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی و مال افراد لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را محکوم به جبران خسارت می‌کند (مصوب ۱۳۳۹، مواد ۱و۲).

اما مواقعی پیش می‌آید که امدادگری در حال انجام کمک به مصدومان است و در ضمن این اقدام، از ناحیه او به مصدوم و یا مال او آسیبی وارد می‌شود، پرسش این است که آیا امدادگر ضامن است یا خیر؟ برای پاسخ به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱: امدادرسانی در ضمن افراط

بدون شک چنانچه فرد امدادگر، خارج از چارچوب عقلایی و شرعی در کمک‌رسانی زیاده‌روی کند و آسیب وارده در نتیجه اقدام مستقیم او باشد، از باب قاعدهٔ اتلاف، مستنبط از عبارت «من اتلف مال الغیر فهو ضامن» (۵) و ماده۶۱۳ و۶۱۴ قانون مدنی مسئول جبران خسارت است و احدی در این مورد خدشه‌ای نمی‌کند.

الف: دانش و تخصص لازم برای امدادرسانی

طبیعی است که در صورت بروز هر گونه حادثه و بلای غیر ارادی، کسی که به کمک مصدومان می‌شتابد و به ویژه امدادگران جمعیت هلال احمر، حتماً باید تخصص و آموزش‌های لازم را از قبل داشته باشند، زیرا هرگونه ضرری که به علت نبود تخصص، متوجه فرد آسیب‌دیده شود (به خصوص جانی، مانند قطع یا نقص عضو و...)، از باب اتلاف و افراط، مستقلاً و مستقیماً ناشی از فعل امدادگر و موجب ضمان است که با توجه به نوع خسارت، مجازات انشاء می‌شود و لزوم دارا بودن تخصص و ضامن بودن چنین امدادگری از ادلهٔ زیر فهمیده می‌شود.

ادلهٔ اثبات لزوم مهارت

۱ – قرآن

آیه اول: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (زمر، ۹) آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند مساوی‌اند؟ فهم از آیه این نکته است که ضمان مخصوص امدادگری است که بدون مهارت اقدام کرده و عدم ضمان برای فردی است که با علم به همه مراتب کمک‌رسانی، عملیات امداد و نجات

را انجام می‌دهد و یقیناً این دو در صورت اتلاف، به لحاظ کیفری با هم مساوی نیستند.

آیه دوم: «قال اجعلنی علی خزائن الارض انّی حفیظ علیم» (یوسف، ۵۵) (حضرت یوسف ع به پروردگار) گفت مرا بر منابع در آمد این سرزمین بگمار که من هم نگهدارنده هستم (امانتدار) و هم دانای کار.

نکته: از بدیهیات امور زندگی این است که باید در هر امری دانش آن کار را داشته باشیم. گاهی مواقع ملاحظه می شود برخی از افراد امور را به دو بخش«تخصصی» و «غیرتخصصی» تقسیم می‌کنند. اما حقیقت این است که اسلام این نوع تقسیم را صحیح نمی‌داند و هر کاری را نیازمند شناخت و معرفت می‌داند.

۲ - سنت

روایت اول: قال علی(ع): یا کمیل ما من حرکة الأوانت محتاج فیها الی معرفة:(۱) امام علی(ع) فرمود: ای کمیل هیچ حرکتی نیست مگر آنکه تو درباره آن به شناخت و معرفت نیازمندی.

روایت دوم: قال الجواد(ع): من انقاد الی الطّمأنینة قبل الخبرة عرض نفسه للهلکة و العاقبة المتعبة: (همان). امام جواد (ع) فرمود: هر کس در اقدام به کاری که برایش ناشناخته است، قبل از شناخت تن به اطمینان دهد، جان خود را در معرض هلاکت و عاقبت دردناک قرار داده است.

۳ – دلیل عقل: یکی از ادلهٔ مشهور استنباط احکام و قوانین، حکم عقل است. در بحث اخیر، به حکم عقل، کسی که بدون تخصص، امدادگری می‌کند و مصدوم را در وضعیت خطرناکی قرار می‌دهد، مسئول و ضامن خسارات وارده است.

ب: یک اصل مهم حقوقی

اگر کسی بدون داشتن مهارت لازم، کاری را انجام دهد، از نظر اسلام (قاعدهٔ لاضرر و اتلاف) در قبال حوادثی که به وجود می‌آورد ضامن است، حتی اگر هیچ قصد سوء و تعمّدی در میان نباشد و حتی اگر هیچ خطایی در کار مرتکب نشود. اگر با اقدام شخص ناوارد و غیرمتخصص فرد یا افرادی بمیرند، جرمی که اتّفاق افتاده در صورت غیر عمد «شبه عمد» تلقّی می‌شود. و اگر همان اتفاق در اثر اقدام یک متخصص رخ دهد «خطای محض» محسوب می‌شود. اگر یک پزشک با سلب مسئولیت از خطر احتمالی، عمل جراحی یا هر طبابت دیگر را انجام دهد و بیمار بمیرد، هیچ ضمانی ندارد. و اگر یک فرد ناآگاه از دانش پزشکی، با سلب مسئولیت از خطر احتمالی، عمل جراحی یا هر طبابت را انجام دهد و بیمار بمیرد، او ضامن است.

ب: امدادرسانی بدون افراط

چنانچه فرد امدادگر، خارج از چارچوب عقلایی و شرعی، در کمک‌رسانی زیاده روی ننماید و آسیب وارده در نتیجه اقدام مستقیم او نباشد ضامن نیست و این عدم ضمانت از ادلهٔ زیر فهمیده می‌شود.

۱ – قاعدهٔ فقهی احسان

احسان، مصدر باب افعال از ریشهٔ «حسن» و در لغت به معنای نیکوکاری است (۳۰) و در فقه و حقوق، به عمل عمومی یا ویژه برای مساعدت به غیر به قصد تبرع را احسان گویند (۳۱).

مقصود از این قاعده این است که، هرگاه شخصی با نیّت خدمت و نیکوکاری به دیگران، موجب وارد شدن خسارت به آنان شود، اقدامش مسئولیت‌آور نیست و شخص محسن، ضامن شناخته نمی‌شود.

بدون شک، نجات جان مصدوم یا مصدومان در حوادث جاده‌ای نمونهٔ بارز احسان و نیکوکاری در حق مصدومان است و در محسن بودن و نیک بودن کار نجاتگران در حین عملیات امداد و نجات شبهه‌ای وجود ندارد (۳۲). علاوه بر سخن فقها در این باب ، مهم‌ترین دلیل عدم ضمان امدادگران با توجه به انجام کار در سایهٔ منطق و قانون آیات قرآن کریم است که به شرح زیر است:

الف) فراز آخر آیه ۹۱ سوره توبه که خداوند فرموده: «ما علی المحسنین من سبیل» بر نیکوکاران مؤاخذه‌ای نیست. این آیه راهنمای بسیار خوبی است که می‌فرماید، امدادگر چون با نیّت خدمت و نجات انسان‌ها اقدام می کند، چنانچه با حفظ موازین قانونی و الزامات سازمانی انجام وظیفه کند، در صورت عدم تعدّی و تفریط، ضامن نیست و نباید مؤاخذه شود. زیرا مؤاخذهٔ او، در واقع حرجی است که با عنایت به ابتدای همین آیه، نفی شده است.

ب) آیه « هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ » (الرحمن ۶۰) آیا پاداش نیکی، جز نیکی کرن متقابل است؟

با تأملی کوتاه در این آیه و ایجاد ارتباط با بحث امداد و نجات، به وضوح در می‌یابیم که امدادگر با نیّت خیر و نیکی کردن به همنوعش، اقدام به نجات او می‌کند و بی‌انصافی به نظر می‌آید که با وجود دقت او در امر امداد، اکنون که آسیبی آن هم نه از روی تعمد که به شکل سهوی به وجود آمده است او را مؤاخذه کنند. لذا به حکم این آیه، پاداش احسان، احسان متقابل است و در این بحث، عدم ضمان امدادگر، حقیقتاً مصداق احسان متقابل است.

۲- عدم تساوی نیکوکار و بدکار در نامهٔ امام علی (ع) به مالک اشتر

حکومت امام علی (ع) نمونهٔ یک حکومت سراسر عدل و راستی است و نامهٔ آن حضرت به مالک اشتر یک منشور کامل در امر زمامداری جامعه است. در قسمتی از این نامه امیر المومنین (ع) چنین فرموده‌اند: «و لا یکونن المحسن و المسی ء عندک بمنزله سواء، فان فی ذلک تزهیدا لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاهل الاسائه علی الاسائه، والزم کلا منهم ما الزم نفسه» (۳۳ و ۳۴) «هرگز انسان نیکوکار و انسان بدکار در نزد تو مساوی نباشند، زیرا این کار ناشایست مردم نیکوکار را در کار نیکو تحقیر و مردم بدکار را به بدی عادت می‌دهد، وظیفه تو اینست که هر یک از آنها را برمبنای آنچه که خود را ملزم ساخته است الزام کنی». این دستور در حقیقت از یک قانون فوق‌العاده با اهمیت سرچشمه می‌گیرد که عبارت است از عدم تساوی علم و جهل، نیک و بد، خیرخواهی، تعقل وحماقت، هشیاری و کودنی، خوش‌نیتی و بدنیتی، تقوی و لاابالی گری، تقّید به نظم و بی‌نظمی، ذهن نوآور و مفید و ذهن راکد، عدالت وظلم و.....(۳۵) پس بنا به دستور ایشان، عدم ضمان امدادگری که در انجام وظیفه نهایت تلاش را می‌کند یقینی است.

۳ – دلیل عقل: یکی از ادلهٔ مشهور استنباط احکام و قوانین، حکم عقل است. در بحث اخیر، به حکم

عقل، کسی که بدون تخصص، امدادگری می‌کند و مصدوم را در وضعیت خطرناکی قرار می‌دهد، مسئول است و ضامن خسارات وارده و در طرف مقابل، اگر در کارش ماهر باشد و با وجود این، به مصدوم آسیبی برسد، مشمول ضمان نیست، زیرا اگر برای چنین فردی هم ضمان را حکم کنیم، موجب اختلال نظام است. به تعبیر دیگر، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و امدادگران برای احتمال ضمان، از امدادرسانی منصرف می‌شوند و اساس کمک به انسان‌های گرفتار زیر سؤال می‌رود. پس به حکم عقل، برای فرد ماهر، ضمانی وجود ندارد.

امداد و نجات وظیفه حکومت اسلامی

یکی از مباحث مرتبط با امداد و نجات که از جهتی جزء مسائل مستحدثه این باب شمرده می‌شود آن است که آیا با توجه به دنیای امروز و نوع حکومت‌ها و نقش مردم، آیا امداد و نجات یک مقولهٔ حکومتی و از وظایف دولت‌هاست و یا به نوعی وظیفه هر انسانی است که در این گونه موارد اقدام کند؟

با مراجعه به اطلاق و عموم ادلهٔ نقلی و عقلی، به خصوص قواعد فقهیه که پیشتر عنوان شد در مرتبه نخست چنین به نظر می‌رسد که امداد و نجات یک وظیفه همگانی و از نوع واجب کفایی است، اما با تتبع بیشتر و با توجه به دلایل ذیل، در عصر حاضر چنین استنباطی کامل به نظر نمی‌رسد و در حقیقت اطلاق ادله، انصراف به جایی دارد که جوامع فاقد نظم اجتماعی و حکومتی بوده‌اند نه در شرایط کنونی دنیا که همه کشورها دارای دولت و ساختار قانونی هستند و البته در باب حکومت دینی، این مسأله مبتنی بر نوع نگاه و فهم ما از ادلهٔ حکومت دینی است که در ادامه اشاره می‌شود:

۱- اگر بپذیریم که تشکیل حکومت در عصر غیبت و در زمان حاضر، خواست شارع دین است و وظیفه همگان تشکیل حکومت دینی است در این صورت چون اصل وجود حکومت دینی را پذیرفته‌ایم، پس به حکم عقل و طبق قاعدهٔ «اخذ به شئ اخذ به لوازم آن هم هست» باید قبول کرد که حکومت پس از استقرار باید در حفظ جامعه و مردم از هر حیث تلاش کند و با این استدلال باید گفت که امداد و نجات و تشکیل سازمان‌های امدادی و لزوم ایجاد مهارت‌های لازم امدادی از وظایف حتمی حکومت اسلامی است و در این خصوص دولت اسلامی باید برای امداد و نجات مردم در شرایط بحرانی و ناگهانی، به جعل قانون و امور تشویقی و تنبیهی خاص مبادرت ورزد.

۲- اگر نپذیریم که در زمان حاضر و دوران غیبت، تشکیل حکومت دینی وظیفه فقها نیست، در این صورت امداد و نجات کاملا در حوزه شخصی افراد قرار گرفته و هر کسی با توجه به احکام تکلیفی خمسه می‌تواند اقدام نماید.

ذکر فتاوای مشهور در باب امداد و نجات

* چنانچه امدادگران هلال‌احمر به هنگام نجات مصدومان بلایای طبیعی یا سوانح رانندگی، ناچار شوند بدن نامحرم را لمس یا نگاه کنند، چه حکمی دارد؟ تا چه حد مجازند؟

مقام معظم رهبری: اگر برای نجات جان مصدوم ناچار باشند، در حد نیاز اشکال ندارد.

آیت‌الله مکارم شیرازی: بـه مقـدار ضـرورت اشـکال ندارد.

* اگر امدادگران هلال‌احمر به هنگـام کمـک‌رسـانی به حادثه‌دیدگان، بـدون سـهل‌انگـاری ضـرری وارد کنند چـه کسـی بایـد جبـران خسـارت کنـد؟ خـود امدادگر یا بیت‌المال؟

مقام معظم رهبری: در هر حال ضـامن هسـتند مگـر آنکه بتوانند قبلاً از مصدوم برائت حاصل کنند.

آیت‌الله مکارم شیرازی: در صورتی که بـرای نجـات مصدومان ضرورتی بـرای رسـاندن آن ضـرر نباشـد بیت‌المال باید بپردازد.

* اگـر نجـات مصـدوم منـوط بـه تصـرف در مـال دیگران باشد و یا ناچار به ایجاد ضرر به او شـود تـا بتواند نجاتش دهد، مثلاً شیشه ماشین را بشـکند و... چه حکمی دارد؟ تا چه حد جایز است؟ آیا مشـمول ضمان می‌شود؟ اگر ضمان دارد چه کسی باید جبران کند؟

مقام معظم رهبری: هـر چنـد نجـات جـان مصـدوم واجب است اما ضررهای وارده باید جبران شود.

آیت‌الله مکارم شـیرازی: بـه مقـدار ضـرورت بـرای نجـات مصـدوم جـایز اسـت و خسـارت را بایـد بیت‌المال بپردازد.

* اگر امدادگر نتواند به نجات دو نفر در یـک زمـان بپردازد و یکی مثلاً عـالم فرهیختـه باشـد و دیگـری انسانی معمولی، چنانچه با توجه بـه قاعـدهٔ تـزاحم، عالم را نجات دهد، آیا با اصل برابری و حقوق بشـر منافات ندارد؟ اگر انسان معمولی را ابتدا نجات دهد و فرصت نجات عالم پـیش نیایـد و فـوت کنـد آیـا عقوبت دنیوی و اخروی دارد؟

مقام معظم رهبری: اشکال ندارد.

آیت‌الله مکارم شیرازی: بـین آنهـا مخیّـر اسـت و در مقام تخییر می‌تواند انسان معمولی را انتخاب کنـد و در هر حال عقوبت دنیوی و اخروی ندارد.

یافته‌ها

۱) امداد و نجات مصدومان بلایـای طبیعـی، سـوانح مختلف و...از منظر اسلام، از مصادیق بـارز خـدمت به همنوعان و به لحاظ تکلیفی، واجب کفایی است.

۲) آگـاهی از نحـوهٔ کمـک‌رسـانی و یـادگیری مهارت‌های لازم در امر امدادرسانی، واجب اسـت و هرگونـه تخطـی از ایـن مسـئله، موجـب ضـمان و مؤاخذه است.

۳) عدم مؤاخذه و مجازات امدادگر، فقط در صورتی است که او در راه کمک‌رسانی، تمام جوانب قـانونی و عقلایی را مد نظر داده باشد.

۴) در امر امدادرسانی، چنانچه تزاحمی اتفـاق افتـاد، در صورت تساوی دو حالت، امـدادگر در تشـخیص مصـدوم مخیّـر اسـت، امـا چنانچـه ترجیحـی میـان مصدومان باشد، با تقدیم اهم بر مهم، فرد اولویت‌دار کمک می‌شود.

۵) امداد و نجات مصـدومان، طبـق مـوازین شـرعی باید صـورت پـذیرد و از هرگونـه افـراط و تفـریط خودداری گردد، زیرا با عنایـت بـه قاعـدهٔ لاضـرر و نفی عُسر و حرج، آسیب زدن به مصدوم ولو انـدک، از مصادیق اتلاف و جرم است.

۶) امداد و نجات، احسان بـه همنـوع اسـت و یقینـاً امـدادگران نـزد پروردگـار، مشـمول رحمـت الهـی هستند.

۷) امدادگران، همان گونه که باید تمام دقت خود را برای نجات مصدومان به کار بندند، باید مراقب خود هم باشند که متحمل خسارت، خصوصاً جانی نشوند، زیرا حفظ نفس واجب مؤکد است.

۸) در بررسی‌ها این مطلب به دست آمد که در متون فقهی برای امدادگری که در انجام وظیفه کوتاهی نکرده است، ولی مصدوم متحمل خسارت شده، بر او حرجی نیست، «سورهٔ توبه، آیه ۹»، لکن عقیده برخی از فقها در هر صورت ضمان است، حال چه خود امدادگر و چه بیت‌المال، اما در متون حقوقی، صراحتی در این خصوص وجود ندارد. البته در این منابع، از راه اتلاف غیر، ضمان را ثابت کرده‌اند، اما اینکه این اتلاف اگر از ناحیه امدادگر بدون تعّدی بوده است، چه حکمی دارد، به صراحت مشخص نشده است.

نتیجه‌گیری

اسلام همواره به یاری‌رسانی به بشریت به خصوص مظلومان و گرفتاران سفارش کرده است. از این‌رو، امدادرسانی به کسانی که در حوادث مختلف، دچار رنج و مشقّت شده‌اند باید سر لوحهٔ آدمیان باشد، زیرا از نکات بارز اخلاقی، توجه به امور یکدیگر است. فقه و احکام اسلام به مقولهٔ امداد و نجات، توجه عمیقی دارد، گرچه گاهی موانع و مشکلاتی بر سر راه کمک به گرفتاران وجود دارد، اما همان گونه که در خلال مباحث بیان شد، شریعت اسلام، با ارائه راهکارهای منطقی و عقلایی در قالب قواعد فقهیه، به حل این چالش‌ها پرداخته است. مهم‌ترین چالش امدادگران، بحث ثواب و عقاب است که موارد به روشنی ذکر شد، امید است این نوشتار بتواند در خصوص حل برخی دغدغه‌ها مفید واقع شود.

References

1. *Holy Quran*
2. Ibn Abi al-Hadid, *An explanation of Nahjolbalaghe*, Vol 17
3. Ibn Manzour, Mohammed bin Mokram *Lesan Al-Arab*, Vol 13, 1st edition, publication: DarAlsadr, Beirut, 1990
4. Ansari, Masoud, Taheri, Mohammad. *Encyclopedia of Private Law*, Vol.1, first printing, publishing: Mehrab, Tehran, 2005
5. Iravani, Baqer, *The third episode in second style*, Vol 4, Qom, 1995
6. Elhami nia, Aliasghar, Taherzadeh, Gholam Abbas, *Applied ethics*, publishing: Ofogh Farda, Qom, 2003
7. Bojnourdi, Seyed Mohammad, *Rules Jurisconsult*, Tehran, 1st edition, 2006
8. Jafari, Mohammad Taqi, *Wisdom of political principles*, publishing: Maref Ahle Bait, Qom
9. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, *Terminology of Law*, Vol. 1, second edition, Tehran, Ganje Danesh, 2002
10. Sheikh Horr Ameli, Muhammad ibn al-Hassan, *Wassael al-Shia*, Qom, Al-albait, 1994
11. Hakim, Mohammad Taghi, *Al-Ossool Al-amah*, Second edition, 1997
12. Khoei, Abolghassem, *Mesbah*'ul *Osoul*, 1967
13. Khonsari, Jamal al-Din Muhammad, *An explanation of Ghorar* ol *Hekam,* Tehran University Press, Vol.2, 1987
14. Zeynalpour fatahi, Zinol Abedin, *The study of Jurisprudence and legal Liability or non-liability in order to save Rescue workers in Roads rescue & relief operations,* Quarterly of Rescue & Relief, 2010
15. Sobhani, Jafar., *Al Melal Va Al Ahvae Va Al Nahl*, Vol 2, Qom
16. Sayyed Abdul Ali Sabzevari, *Mohazeb al ahkam*, Qom, 1995
17. Sadri, Seyed Mohammad, *Principles of Jurisprudence*, Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia, third edition, 1996
18. Sadri, Seyyed Mohammad, *Principles of Jurisprudence*, publication: Daneshpazir, Tehran, 2008
19. Mohammad Hossein Tabataba'i Tafsir al-Mizan, Fifth Edition, 1996
20. Alikhani, Ismail, *Ethics in Judaism,* Journal of ethical knowledge, 2010, No. 3
21. Ghaffari Farsani, B. *Civil responsibility due to leave to save others life,* Tehran, publication: Mizan, 2008
22. *Abdol Nabi* Ghayyem, dictionary of *Arabic-Persian,* Tehran, Farhang Moaser, Third Edition, 2003
23. Al-Koleini, Abi Ja'far Muhammad ibn Yaghoub, *Forou'il Kafi,* Tehran, Beirut, 1-14
24. *The Old and New Testament*, Farsi translation by William Gelen & Henry Morten, Tehran, Publication: Asatir, 2004
25. Majlesi, Mohammad Baqer, *Bihār al-Anwār*, Beirut, Alvfa', Third Edition, 1983
26. Makarem Shirazi, Naser., *Tafsir Nemooneh*, Tehran: Dar Al Ketab Eslamieh, First Edition, 1995
27. Mohammadi, Abolhassan., *Foundations of Inference of Islamic law*, publishing: Tehran University, 2006
28. Jahangir Mansour, *The law of civil liability*, 2010
29. Naini, Mirza Mohammad *Hussein. Fava-ed Al-Osool*, Vol.1, p.317, Islamic Publications Office, Sixth Edition, 1996
30. Noori Tabarsi, Mirza Husain, (Allameh Mohaddes Nouri), Mustadrak al Wasail, 1941
31. Najafi, Mohammad Hassan, *Jawaher Alkalam*, Dar Ahya at Turath al Arabi Beirut, 1983
32. Heidari, Ali Naqi, *Osul Al-Estenbat*, p. 299, the Council of Management of the Qom Seminary, first edition, 1992
33. Velayee, Issa, *Anatomical culture of Terms principles*
34. Maimonidies, *the Good Samaritan in Jewish law*, journal of legal medicine, Vol 22, 2001

Judicial-legal analysis of rescue & relief

Abdollah Omidifard, *Professor, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran*
Corresponding author: Seyyed Mehdi Jokar, *PhD student in University of Law, Qom, Iran*
Email*: Mjokar1361@gmail.com*
Majidreza Arab Ahmadi, *Faculty member, Department of Law, Farahan Branch, Islamic Azad University, Farahan, Iran*

Received: *January 30, 2014* ***Accepted:*** *January 2, 2015*

Abstract
Background*: Helping others and services to our fellowmen have been carried throughout the history in different ways. It is one of the most important examples of human services called as rescue and relief to the injured and affected people.*
At any time, people may be affected by disasters such as natural disasters, heavy storms, car accidents and etc. Certainly at the time of such disasters, people need other people's help with regard to human beings are members of a whole. However, the affected people should be fast rescued. It should be mentioned that the rescue and relief efforts to the injured is the order of Islam religion as the pioneer of serving humanity and eliminating the pain and human suffering by arranging and codifying law, regulations, rules and duties in one hand and also relates to the pure nature of human beings on other hand.
Sometimes, rescue and relief operation occurs under conditions which cause problems for both the injured and the relief workers. With regard to the rescue and relief operation, the first responders may face dilemma on dealing with the importance of protecting privacy of the affected people and observance of ethical guidelines.
Keywords*: rescue and relief, service, cooperation, conflict, guarantee*